

نقش بحران آب در سیاست خارجی کشورهای آسیای مرکزی - همگرایی یا واگرایی

مسعود فولادی^۱

^۱ کارشناسی ارشد روابط بین الملل از دانشگاه گیلان

چکیده

آسیای مرکزی به عنوان منطقه ای که بحران آب در آن همواره رو به فزونی می باشد نگرانی بسیاری از صاحب نظران منطقه و جهان را به خود جلب نموده است. دلیل بغرنج بودن بحران آب در این منطقه آن است که علاوه بر پیوند آن با مسائل زیست محیطی همچون خشک شدن دریاچه آرال و اثرات مخرب آن و همچنین صدمات به بخش های مختلف مانند کشاورزی، صنعت و ... هنوز آینده این بحران و نحوه برخورد کشورهای منطقه جهت حل کردن این مشکل مشخص نیست و در هاله ای از ابهام قرار گرفته است. این مقاله به دنبال آن است تا با تجزیه و تحلیل مهمترین مولفه ها و زمینه های همگرایی و واگرایی در منطقه آسیای مرکزی به این نکته برسد که در آینده، بحران آب در آسیای میانه کشورهای درگیر با آنرا را به سمت همگرایی سوق می دهد یا واگرایی. بر این اساس پرسش اصلی مقاله چنین است که نقش بحران آب در همگرایی یا واگرایی های آینده کشورهای آسیای میانه چگونه خواهد بود؟ یافته های مقاله حاکی از آن است که در آینده این تحولات کشور های منطقه با توجه به یکسری عوامل زمینه ای و زیر ساختی که غالبا ویژه آسیای مرکزی می باشند به سمت در گیری و تخاصم میل می کنند، این احتمال در گیری زمانی در منطقه برای ما آشکارتر می شود که روند همگرایی و واگرایی این منطقه را در بستر و زیر ساخت های همکاری و عدم همکاری منطقه ای بررسی کنیم. اهمیت این زیرساخت ها به گونه ای است که ممکن است در مورد مساله ای مانند بحران آب در مناطق و شرایط مختلف به راهکار های متفاوتی از تقابل تا همکاری مبدل گردد.

واژه های کلیدی: آسیای مرکزی، سیاست خارجی، همگرایی، واگرایی، بحران آب

مقدمه

با توجه به برآورد های انجام شده تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۶۰ درصد مردم جهان با کمبود آب مواجه می شوند و این مساله در مرحله اول با کمبود در دسترس بودن آب رودخانه های مرزی خود را نشان می دهد (Khalid, Mukhtar and Ahmed, ۲۵۹: ۲۰۱۴). و از این میان هیچ نقطه ای از جهان نیز همچون آسیای مرکزی مستعد درگیری بر سر منابع آب نمی باشد. علت عمده این درگیری ها هم مربوط به منابع آبی مشترک یعنی دو رود آمودریا و سیر دریا می باشد که از طرفی نیاز روز افزون نیروگاه های برق آبی کشورهای بالادست یعنی قرقیزستان و تاجیکستان را برطرف نمی کند و از طرف دیگر توان سیراب کردن زمین های کشاورزی به ویژه مزارع پنبه را در جمهوری های زیر دست یعنی ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان را ندارد. البته گفتنی است که سیاست های اقتصادی و کشاورزی که اتحاد جماهیر شوروی سابق در این منطقه انجام داده است همچون گسترش مزارع پنبه در حوضه ی این دو رود مهم نیز نقش بسزا و چشمگیری در ایجاد این عدم توازن داشته است. شواهدی در دست است که سردمداران کشورهای سرچشمه این دو رود به این منابع آبی همچون منابع ملی می نگرند و به منظور برطرف کردن مشکلات خود در حوضه ی انرژی به طرح های بلند مدت برق آبی و احداث سد روی آورده اند (Libert and Orolbaev, ۲۰۰۸: ۱۶) و در مقابل هم جمهوری های سفلا نشین خواهان برقراری قواعد بین المللی بر این رودها می باشند. گفتنی است توسعه افغانستان و سهم خواهی این کشور از رود مرزی آمودریا در شمال و همسایگی تاجیکستان و همچنین افزایش جمعیت منطقه و گره خوردن آن با بحث امنیت ملی کشور ها میل کردن این بحران به سمت بحران گسترده زیست محیطی (۵: ۲۰۱۰، Vörösmarty) بر پیچیدگی های این مساله افزوده است. همچنین واضح است که با گسترش بحران های زیست محیطی تبدیل این بحران ها به مشکلات اجتماعی و فجایع بشری دور از انتظار نمی باشد و در آسیای میانه هر روز بر بر وخامت وضعیت مردم افزوده می شود (Strickman and Porkka, ۲۰۱۰: ۱۱۳). حال این نوشتار با تکیه بر مفاهیم «بحران آب» و «همگرایی» و «واگرایی» و همچنین پیوند دادن این مفاهیم بدنبال آن است تا دریابد آیا بحران آب در همگرایی یا واگرایی جمهوری های این منطقه نقش اساسی و روز افزونی دارد؟ و مساله دیگر اینکه این کشورها با گسترش بحران آب بیشتر به سمت همگرایی سوق داده می شوند یا واگرایی؟ در ادامه لازم است تا برای پی بردن به پاسخ این سوالات به مفاهیم نظری همچون همگرایی و واگرایی بپردازیم.

مباحث نظری پژوهش

همگرایی^۱ و واگرایی^۲ دو رفتار متضاد در روابط دولت ها و بازیگران سیاسی می باشند. شکل گیری، بقا و یا سقوط فرآیند همگرایی و واگرایی تابعی از تلقی دولت ها و بازیگران نسبت به منافع ملی و جمعی یا فردی خود است. به عبارتی دیگر بازیگری که تن به شرکت در فرآیند همگرایی یا واگرایی با سایر بازیگران را می دهد به این می اندیشد که این عمل تا چه اندازه منافع او را تامین و تهدیدات را از او دور می کند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۳). در ادامه قدری بیشتر به این دو مفهوم می پردازیم و از ابعاد مختلف مفهوم دوگانه آنها را واکاوی می نماییم. همگرایی ناظر بر رفتار جمع گرایی کشورها و دولت ها نسبت به یکدیگر است. به فرایند هم پیوستگی و هم بستگی دولت های ملی همگرایی گفته می شود. همگرایی در چارچوب فرهنگ سیاسی به فرآیندی گفته می شود که طی آن دولت ها با واحد های سیاسی مستقل و جدا از هم به طور داوطلبانه و آگاهانه در جهت مشارکت در تصمیم گیری و اقدام مشترک حرکت می کنند (زرقانی و لطفی، ۱۳۹۰: ۶۰). در تعریفی دیگر از همگرایی آمده است که همگرایی عبارتست از: متعهد شدن اجزا برای تشکیل یک کل که این اتحاد در جهت رسیدن به هدفی سازمان دهی می شود. در بین جوامع انسانی چهار نوع همگرایی مد نظر می باشد که شامل همگرایی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ایستاری می باشد. در همگرایی سیاسی کشورهای همگرا سعی بر آن دارند که در مسائل جهانی و منطقه ای سیاست های واحدی را از

^۱ Convergence^۲ Divergence

خود ارائه دهند. همگرایی اجتماعی از توسعه روابط اجتماعی و گسترش روابط اجتماعی و گسترش مبادلات در میان اعضاء کشور های یک منطقه که می تواند به ایجاد یک حس اشتراک منافع و جامع بودن در آنها منجر شود ناشی می شود. در همگرایی اقتصادی، میزان حمایت دولت ها از اقتصاد ملی و نحوه ارتباطات اقتصادی آنها مورد بررسی قرار می گیرد. برخی این نوع همگرایی را در سطح مناطق به عنوان یک استراتژی رشد برای کشورهای در حال توسعه مطرح می کنند. در همگرایی ایستاری از یک نوع حس مشترک در بین اعضاء که باعث ایجاد یک نوع تعهد متقابل بین اعضاء می شود بهره می گیرند (افضلی و محمد جانی، ۱۳۸۷: ۱۲۴). مقوله ی همگرایی گاه به عنوان یک فرآیند^۲ در نظر گرفته می شود که شامل فعل و انفعالات و اقداماتی است که برای نیل به مرحله وحدت صورت می گیرد و گاه به عنوان یک وضعیت یا محصول نهایی^۴ وحدت سیاسی است. به عقیده عده ای از اندیشمندان مانند آنزیلوتی و کارل دوپچ بیش از آنکه همگرایی را یک فرآیند فعل و انفعالات برای نیل به مرحله وحدت بدانند، آنرا یک وضعیت نهایی قلمداد می کنند (فرانکل، ۱۳۷۱: ۸۴). از طرفی عده ای دیگر نظیر فیلیپ ژاکوب و هنری تیون هستند که از این پدیده به عنوان یک فرآیند یاد می کنند و آنرا بیشتر یک امر نسبی می دانند تا یک امر مطلق که ضمن در بر گرفتن همکاری دولت ها در زمینه های محدود ممکن است به وضعیت نهایی آن یعنی ادغام واحدهای سیاسی منجر نشود (ولایتی، ۱۳۸۹: ۱۵۵)، اما آن چیزی که صرف نظر از نوع همگرایی مد نظر است کاهش تضاد و تقابل میان واحدهای سیاسی است که می تولن گفت مهمترین جنبه مثبت همگرایی است. در کنار همگرایی مبحث دیگری که مورد توجه و در تقابل با آن است واگرایی می باشد که ناظر بر رفتار دوری گزینی کشورهای و دولت ها نسبت به یکدیگر است. در رویکرد واقع گرایی به عدم ترغیب واحد های سیاسی به همکاری و اشتراک مساعی در عرصه سیاست بین الملل گفته می شود که موجب دوری این واحد های سیاسی از یکدیگر و فراهم آوردن زمینه های بحران و جنگ می گردد. همچنین واگرایی عبارت است از فرآیندی که طی آن واحد های سیاسی و دولت ها از یکدیگر دور شده و در اثر آن زمینه های بحران و جنگ فراهم آید. از طرفی وقتی واحد های سیاسی از یکدیگر فاصله گرفته و رغبتی به همکاری و اتفاق منطقه ای با هم نداشته باشند، گفته می شود که بازیگران این واحد های سیاسی واگرا شده اند؛ یعنی زمینه های وحدت و پیوستگی را نادیده گرفته و از دست داده اند. در واگرایی کشورها برای تامین بهتر منافع خود و افزایش ضریب امنیتی، تمایلات فرا منطقه ای بیشتری از خود نشان می دهند. واگرایی را می توان اینگونه نیز تعریف کرد؛ همانگونه که عواملی سبب توسعه همکاری و برقراری اتحاد میان واحد های سیاسی متفاوت می شوند، عوامل مختلفی نیز در واگرایی و ایجاد تعارض میان دولت ها نقش دارند که آنها را از یکدیگر دور ساخته و زمینه های بحران را فراهم می نمایند (قوام، ۱۳۷۱: ۳۵۴) در واگرایی وجه بارز اختلاف، درگیری و تقابل است که طرف های درگیر راهی را به جز درگیری مقابل خویش نمی بینند.

ژئوپلیتیک و پیشینه آسیای مرکزی

آسیای مرکزی در فضای اقلیمی پهناور اوراسیا واقع شده است و یک منطقه خشک به حساب می آید که دارای توپوگرافی فوق العاده گوناگونی می باشد و مجموعه ای از کوه های بلند، یخچال های طبیعی، استپ ها و بیابان ها را در خود جای داده است (Karæev, ۲۰۰۵: ۶۳). سرحدات شمالی آسیای مرکزی به خط تقسیم آبهای حوضه رودهای اورال-ایریتیش و دشتهای جنوبی روسیه و از جنوب به شمال کشور افغانستان و ایران از شرق به چین و از غرب به دریاچه کاسپین محدود می باشد. این منطقه از پنج کشور قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان تشکیل شده است که حدود ۶۵ میلیون از جمعیت جهان را در خود جای داده است. کشور های این منطقه به هیچ یک از دریاها و آبراه های بین المللی وصل نمی باشند که در نتیجه این تصور را ایجاد می کند که کشورهای این منطقه را به همسایگان و جامعه جهانی وابسته کرده است. با نگاهی اجمالی در می یابیم که این منطقه با قدمت تاریخی که دارد یکی از مهمترین مناطق شناخته شده جهان به حساب می آید که

^۲ Process

^۴ State end product

ظرفیت های فراوانی را در سینه خود جای داده است. علت این ادعا را می توان در گذشته و حال بررسی کرد، وجود جاده ابریشم در این منطقه که چین را به امپراطوری یونان در اروپا وصل می کرد و قرار گرفتن در شاهراه ارتباطی میان اروپا و آسیای شرقی و میان شمال و جنوب قاره آسیا و همچنین کشف منابع مهم انرژی شامل منابع نفت، گاز، ذغال سنگ و... در این منطقه بویژه در کشورهای ازبکستان و ترکمنستان بر اهمیت این منطقه ارزش روز افزونی داده است (بهمن، ۱۳۸۹: ۱۹). پس از بررسی اجمالی جایگاه آسیای مرکزی در جغرافیای جهانی آن چیزی که ذهن هر تحلیل گر را به تفکر وادار می دارد میزان اهمیت ژئوپلیتیک این منطقه می باشد، آسیای مرکزی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به یک منطقه ژئوپلیتیک مهم و پویا تبدیل شده است. علت این پویایی را می توان در شکل گرفتن رقابت های سیاسی مختلف در این منطقه و همچنین کارکرد سیاسی عوامل جغرافیایی استخراج نمود، همچنین هویت ژئوپلیتیکی این منطقه ارتباط تنگاتنگی با کشورهای همسایه مانند ایران روسیه و جمهوری خلق چین دارد. (دبیری، علی اکبر، ۱۳۹۰: ۷۲). پس از انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ کشورهای آسیای مرکزی به جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی تبدیل گردیدند. در دوران حکومت شوروی که ۷۴ سال به طول انجامید ملل مزبور، در برخی از بخشهای سازندگی اقتصادی و فرهنگی به موفقیت هایی نایل شدند، لیکن، الگوی سوسیالیسم شوروی که طی این دوران مورد اجرا گذاشته شد در عین حال توسعه این جمهوری ها را از بسیاری از جهات متوقف کرد. نخست آنکه استراتژی اتحاد شوروی که برای صنایع سنگین و صنایع نظامی اولویت قائل بود و همچنین سیستم برنامه ریزی آن که نقش بازار را انکار می کرد جمهوری های آسیای مرکزی را به تامین کنندگان مواد خام تبدیل کرد، تامین کنندگانی که از نظر ساختاری و سیستماتیک دارای نقص و فاقد تحرک و پویایی اقتصادی بودند. دوم آنکه اتحاد جماهیر شوروی اسماً یک حکومت فدرال بود، اما در واقع یک حکومت واحد و یک پارچه و بسیار متمرکز به شمار می رفت. سوم آنکه به به خاطر اینکه اتحاد جماهیر شوروی خود را از جهان خارج منزوی و مجزا نگاهداشته بود و همچنین به دلیل ادامه ی جنگ سرد میان بلوک های شرق و غرب و رویارویی دو ابرقدرت، جمهوری های آسیای مرکزی به عنوان مناطقی دور افتاده در امپراتوری اتحاد شوروی قرار گرفته بودند. (تیو شوکوئی، ۱۳۷۳: ۱۱۳) با توجه به پیشینه آسیای مرکزی روشن می شود که به جمهوری های این منطقه که تحت لوای چنین رژیم خشک و انعطاف ناپذیری بودند توجه درخور شایسته ای که به پیشرفت ها و آرمانهای اقتصادی و فرهنگی مردم این منطقه جامه عمل بپوشاند نشده است و پس از فروپاشی شوروی جمهوری های این منطقه بدون هیچ گونه درگیری پای بر عرصه جهانی گذاشتند و استقلال خود را اعلام نمودند در حالی که میراث دار تمامی آن عقب افتادگی های پیشین و آرمانهای عقب افتاده اش می باشد.

تشریح وضعیت پراکندگی آب در منطقه و ریشه یابی علت بحران

آب در آسیای مرکزی که منطقه ای محصور در خشکی و موجود در کمربند کم آب کره زمین است مساله ای کلیدی به شمار می رود. تامین آب مورد نیاز در این منطقه که بیشتر صرف بخش کشاورزی می شود از طریق منابع آبهای سطحی و رودخانه ای می باشد. این آبهای رودخانه ای شامل دو رود آمودریا و سیر دریا می باشد که از ارتفاعات و کوهستان های دو کشور تاجیکستان و قرقیزستان سرچشمه میگیرند و تامین کننده نود درصد آب مورد نیاز جمهوری های زیردست یعنی ازبکستان، ترکمنستان و جنوب قزاقستان و همچنین شاهرگ حیاتی دریاچه بزرگ این منطقه یعنی آرال می باشند (Karaev, ۲۰۰۵: ۶۵). دریاچه آرال در این ایام، به دلیل کاهش آب ورودی از دو رود مذکور روزگار خوشی را سپری نمی کند و در حال خشک شدن می باشد که این خشکی آبشخور بحران های زیست محیطی فراوانی از جمله پخش شدن سالانه مقادیر زیادی نمک و ماسه در منطقه می باشد که حاوی انواع سموم دفع آفات، نمک ها و کودهای شیمیایی کشاورزی در منطقه هستند و توجه بسیاری از سازمان ای بین المللی را در جهت برطرف کردن این معضل به خود جلب نموده است. در آسیای مرکزی در عین کمبود آب ما شاهد توزیع نامتقارن و نامناسب منابع آبی نیز می باشیم. همین دو رود سیر دریا و آمودریا (سیحون و جیحون) کشورهای منطقه را به طور یکسان بهره مند نمی گردانند و این کشور های بالادست هستند که با احداث سد های عظیم بر روی این رودخانه ها سهم بیشتری را از این آبها خواستارند (امیر احمدیان و ناصری، ۱۳۹۲: ۹). البته باید افزود که

طبق آخرین آمار مربوط به شاخص تنش آبی WRI حتی برخی کشورهای سرچشمه مانند تاجیکستان از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند این شاخص که بر حسب نرخ برداشت آب به عرضه تعیین می گردد برای کشور تاجیکستان عدد ۳,۵ را نشان می دهد که بیانگر تنش آبی بالا و غیر نرمال بودن وضعیت آبی این کشور است (IMF Staff Discussion, ۲۰۱۵: ۳۷). حال به نظر نگارنده چهار عامل اساسی در شکل گیری بحران آب در منطقه آسیای مرکزی نقش اساسی داشته است که این چهار عامل به ترتیب در ادامه ذکر میگردند.

الف- میراث اتحاد جماهیر شوروی در منطقه

تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی منطقه آسیای مرکزی تحت هدایت و رهبری مسکو بود که در این دوران مرزهای این جمهوری ها طوری طراحی شد که همواره بین جمهوری ها برای آب رقابت وجود داشته باشد. این تعارض به دو طریق به سود مسکو بود اول اینکه جنگ آب تمایز ملی بین پنج کشور را تقویت کرده و توانایی این کشورها را در خصوص همکاری مابین به طوری که کنترل شوروی را مورد تهدید قرار دهد محدود می کرد. به طور مختصر، سیاست آب بخشی از تلاش مسکو برای تفرقه انداختن و حکومت کردن در این منطقه بود. دومین سودی که برای شوروی داشت این بود که رقابت این جمهوری ها برای کسب آب باعث می شد که جمهوری ها برای حل اختلافات بین خود همواره دست به دامن مسکو شوند. (کنعانی، ۱۳۸۲: ۳۲۹). راه حل مسکو به طور معمول در این گونه منازعات این بود که در ازای آبی که از قرقیزستان و تاجیکستان به پایین جریان داشت از کشور های منتفع از این آب یعنی ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان انرژی هایی مانند نفت و گاز را برای آنها دریافت می نمود. البته این نکته را باید افزود که اتحاد جماهیر شوروی در راستای سیاست های کلان خود که شامل گسترش مزارع پنبه و برنج بود اقداماتی همچون احداث سد های بزرگ و شبکه های آبیاری وسیع را در این منطقه دنبال می کرد که از طریق آنها مزارع بزرگ تازه تاسیس از جمله مزارع پنبه را آبیاری کند که هدف این اقدامات کاهش وابستگی به واردات این کالاها بود که با بر هم زدن نظم طبیعی منطقه بر نیاز آبی کشورهای منطقه بویژه جمهوری های سفلی نشین افزود. (Izquierdo and Stangerhaugen, ۲۰۱۰: ۸)، البته این مسائل زمانی خود را نمایان ساخت که در میانه های سال ۱۹۹۰ ازبکستان و قزاقستان برای صادرات انرژی به جمهوری های بالا دست قیمت های بازاری را درخواست کردند که در مقابل قرقیزستان و تاجیکستان که قادر به پرداخت این هزینه ها نبودند به استفاده از نیروگاه های برق آبی خود در زمستان پرداختند. (Crisis Group, ۲۰۱۴: ۸) که این اقدام با ایجاد سیلاب ها در زمستان و نابودی زمین های زیردست مشکلی بود بر مشکلات پیشین و چالشها از این زمان خود را نشان دادند. البته مشکلات بر جای مانده از اتحاد جماهیر شوروی به اینجا ختم نمی شود و این شبکه های آبیاری که در نقش شاهرگ های حیاتی این منطقه هستند روز به روز فرسوده تر می شوند و کشور های منطقه هم نه تکنولوژی و نه توان مالی لازم را جهت نگه داری آنها دارند. (Rakhmatullaev and Le, ۲۰۱۰: ۳۱۸). Coustumer, ۲۰۱۰: ۳۱۸). از طرفی هم برخی از کشورها مانند قرقیزستان همواره نسبت به هزینه های سنگین نگهداری سد ها از جمله سد توکتوگل معترض بوده اند و ادعا هایی را در خصوص ارزش آب مطرح کرده اند که جای بررسی دارد و این سوال را در ذهن مطرح می کند که آیا به راستی امکان استفاده از منابع آبی به عنوان منابع درآمد ممکن می باشد یا خیر (Bichsel, ۲۰۱۱: ۲۶). با این وجود آنچه که مسلم است این است که هزینه های سنگین و عدم همگونی های موجود همگی میراث بر جای مانده از شوروی می باشد.

ب-نسبت عکس میان منابع آبی و استفاده از این آبها (اراضی قابل کشت) در کشور های منطقه:

در این منطقه نسبت تقسیم آب بسیار نامتوازن است و دو کشور تاجیکستان و قرقیزستان سرچشمه منابع آبی مورد نیاز آسیای مرکزی می باشند. این پراکندگی منابع آب نشان می دهد که نزدیک به ۶۰ درصد از مجموع ظرفیت ذخیره حوزه آمودریا و ۹ درصد از مجموع ظرفیت ذخیره حوزه سیر دریا در کنترل تاجیکستان قرار دارد، درحالی که قرقیزستان ۵۸ درصد از ذخیره حوزه سیر دریا را در کنترل خود دارد. حال نکته قابل تامل این است که برخلاف منابع آبی غنی که این مناطق از آن برخوردارند و کنترل تمام آنها را نیز در اختیار دارند، مقدار آب مورد استفاده توسط تاجیکستان و قرقیزستان در مجموع کمتر

از ۱۵ درصد است و در مقابل ازبکستان و ترکمنستان که از نظر منابع طبیعی آب سهم کمتری دارند، مصرف کنندگان اصلی ۷۱ درصد منابع آب قابل دسترسی هستند و بخش عمده این آب برای آبیاری مزارع پنبه استفاده می شود (اوهارا، ۱۹۹۹: ۱۶۷). آنچه که در اینجا بدیهی می نماید علاوه بر وضعیت طبیعی که از نظر جغرافیایی این منطقه از آن برخوردار است این مساله است که نقش سیاست های کلان شوروی سابق در این نسبت ناهمگون و تبدیل زمین های لم یزرع جمهوری های سفلا نشین نیز غیر قابل چشم پوشی است، از طرفی دیگر این عدم توازن در سایر منابع طبیعی مانند نفت و گاز که به وفور در کشور های مصرف کننده آب مانند ترکمنستان و قزاقستان یافت می شود بر چشم و هم چشمی ها افزوده است این عدم توازن به گونه ای است که کشور ترکمنستان چهارمین ذخیره گاز جهان را در خود دارد و قزاقستان دارای ۳۰ میلیارد بشکه نفت خام در ذخایر اثبات شده خود می باشد در حالی که تاجیکستان و قرقیزستان برای تامین گاز بخش نیروگاهی خود با مشکل مواجه هستند که نظامی از داراها را در مقابل ندارها تشکیل داده است (۱۴: ۲۰۱۰، Izquierdo and Stangerhaugen) طبق برخی آمار کشور تاجیکستان که یکدوره جنگ های داخلی دنباله دار را داشته است جزء یازده کشور فقیر جهان محسوب می شود (۱۷: ۲۰۰۴، Gravingholt) این خود بر درگیری ها افزوده است. همچنین باید افزود که به عقیده بسیاری از کاوشگران عرصه منابع هیدروکربنی مانند شرکت بریتانیایی گافنی^۱ بسیاری از منابع در این کشورها مانند ترکمنستان هنوز ناشناخته می باشد و ذخایر آن بسیار بیشتر از آن چیزی است که الان در دسترس قرار دارند (۴۷: ۲۰۱۱، Petersen and Barysch). در پایان گفتنی است حتی برخی از کشورهای پایین دست مانند ازبکستان علاوه بر منابع هیدروکربنی بخش کشاورزی را به شدت در خدمت اقتصاد و خودکفایی خود قرار داده اند که اهمیت این منابع آبی را افزایش داده است و باعث شده مواضع سر سخرانه ای را در مقابل کشور های سر منشاء آبی به خود بگیرند. این عدم توازن حتی در سایر منابع خود سبب ایجاد نوعی رقابت در این منطقه گشته که در شعله ور شدن آتش این اختلافات نقش اساسی را ایفا می کند.

ج- نوع نگاه دولتمردان کشورهای منطقه به آبهای این رودخانه ها و ناتوانی قوانین بین المللی در حل اینگونه منازعات:

مساله دیگر که نیاز به بررسی و واکاوی دارد این نکته است که دولت های مذکور چه دیدگاهی نسبت به این آبها دارند و اینکه آیا در این رابطه خود را تابع قوانین بین المللی موجود میدانند یا خیر؟ در این رابطه باید اشاره نمود که عدم شفافیت و فقدان قواعد و اصول پذیرفته شده در حقوق بین الملل در خصوص استفاده از آبهای فرامرزی و مشترک بین چند کشور، باعث اختلاف نظر میان این کشورها شده است. در این راستا کشورهای تاجیکستان و بویژه قرقیزستان با استناد به اصل حاکمیت مطلق هر کشور بر منابع طبیعی موجود در قلمرو خود، این اصل را بر منابع آب و از جمله رودهایی که از این کشورها به سوی دیگر کشورهای پایین دست جریان دارد نیز تسری می دهند، در صورتی که کشورهای پایین دست مخصوصا ازبکستان با توجه به نیاز فراوانی که به این منابع آبی دارند اصل مالکیت بر آب را رد کرده و بر اصل حاکمیت مشاع یا حاکمیت سرزمینی محدود در مورد منابع آبی مشترک تاکید می کنند و معتقدند که استفاده کشورهای بالادست از منابع آب رودهای فرامرزی نباید باعث ضرر و زیان به کشورهای پایین دست گردد. (رضایی اسکندری، ۱۳۸۹: ۵۸) در مجموع می توان گفت که فراگیر ترین قواعد بین المللی که در مورد رود های بین المللی وجود دارد مقررات هلسینکی (۱۹۶۶) است که مورد توافق همه کشور ها قرار گرفته است ولی این قواعد هم بسیار کلی و تفسیر پذیر می باشند (افغانی، ۱۳۷۸: ۲۷). بنابراین می توان گفت در آسیای مرکزی دیدگاه ها نسبت به رودهای فرامرزی متفاوت و کارآیی قواعد بین المللی نیز در حل این اختلاف نظر ها بسیار پایین می باشند.

^۱ Gaffney

د- عدم استفاده صحیح از منابع آبی موجود و ضعف مدیریت:

امروزه در آسیای مرکزی سوء مدیریت منابع طبیعی به وضوح نمایان است که دارای پتانسیلی برای تخریب کل اکوسیستم منطقه می باشد. (۶: ۲۰۰۸، Wright-Neville and Grevtseva) این منطقه با وجود اینکه از نظر منابع آبی غنی است ولی بهره برداری بی رویه، هدر رفتن آب و استفاده از روش های سنتی و عدم استفاده از روش های نوین مدیریت آب در منطقه باعث تشدید مشکل کم آبی و گسترش اختلافات بین کشورهای منطقه شده است. استفاده از نظام کشاورزی سنتی، هزینه های آب برای هر واحد تولید را بین سه و حتی گاهی تا ده برابر معیار های جهانی افزایش داده است. بنابراین استفاده از شیوه های نوین کشاورزی و استفاده منطقی و بهینه از آب باعث پیش گیری از خشک شدن نیمی از رود های فرامرزی خواهد شد. رضایی اسکندری، ۱۳۸۹: ۶۶ در این رابطه می وان به کشور ازبکستان اشاره نمود که به عقیده بسیاری از محققان بین ۵۰ تا ۸۰ درصد از آب استفاده شده در بخش کشاورزی هدر می رود و تنها بین ۲۵ تا ۳۵ درصد از این آبها مورد استفاده قرار می گیرند (۹: ۲۰۱۴، Crisis Group). همچنان با وجو اینکه دولتها به اشتباه بودن مساله افزایش کشتزارهای پنبه با توجه به نیاز فراوان آنها به آب پی برده اند ولی دوباره پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ما شاهد افزایش مزارع پنبه می باشیم به طوری که در فاصله سالهای ۱۹۹۵-۲۰۰۰ میزان ۷ درصد مزارع منطقه رشد داشته اند که بر وخامت کم آبی در این منطقه افزوده است. (فروغی، ۱۳۸۲: ۱۸۰). مساله دیگر که در اینجا جلب نظر می کند عدم سرمایه گذاری دولت های منطقه در بخش آب است که به ندرت اتفاق می افتد و تنها کشور قرقیزستان اقداماتی اندک در این زمینه انجام داده است که آن هم نیازمند کمک های مالی فراوان از مجامع بین المللی می باشد و همچنین می توان نداشتن رویکرد منطقه ای برای حل این بحران یا یک سازمان مدیریت آب منطقه ای را نمود بارز ضعف مدیریت داخلی و منطقه ای دانست. (Lipiäinen and Smith, ۲۰۱۳: ۶, ۱۴). به نظر نگارنده اگرچه عدم استفاده صحیح و مدیریت منابع آبی را نمی توان علت اصلی بحران در این منطقه دانست اما با توجه به عوامل نوظهور دیگری همچون افزایش جمعیت این منطقه که بر این بحران هرچه بیشتر دامن می زند می توان گفت که مدیریت و استفاده صحیح منابع آبی اهمیت روز افزون دارد و تا حدی می تواند از گسترده تر شدن این چالش جلوگیری کند.

بررسی وضعیت همگرایی و واگرایی کشورهای آسیای مرکزی

قبل از آنکه به نقش بحران آب در همگرایی و واگرایی در آسیای مرکزی بپردازیم ابتدا باید به شمایی کلی در رابطه با دیگر سطوح همکاری آسیای مرکزی برسیم و بدانیم در زمینه های دیگر وضعیت همگرایی و واگرایی چگونه است؟ و در آخر اینکه وضعیت کنونی منطقه در رابطه با همکاری های منطقه ای چگونه است؟ در خصوص همکاری ها و همگرایی های منطقه ای تاکنون نظرات فراوانی ارائه شده است اما آنچه که در این قسمت مد نظر نگارنده است بررسی عوامل همگرایی و واگرایی با تکیه بر ویژگی های خاصی است که این منطقه در دل خود جای داده است. آنچه که مسلم است همگرایی و واگرایی دو نیروی متقابل هم هستند که تفوق نسبی یکی از آنها میل به سمت همکاری و کاهش تضاد را در پی خواهد داشت. با توجه به ظرفیت های بالای اقتصادی در کشور های آسیای مرکزی اگرچه همگرایی و همکاری در مواردی همچون ایجاد سازوکارهای امنیتی، مدیریت صحیح منابع و انرژی بویژه آب، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، قراردادهای تجاری و بازرگانی، کاهش حقوق گمرکی، شکل گیری راه های ترانزیتی میان کشورهای منطقه و ایجاد مسیرهایی برای حمل و نقل کالا می تواند آسیب پذیری کشورها را در مقابل حوادث گوناگون کاهش دهند، اما تاکنون نه تنها تعاملات محسوس اقتصادی شکل نگرفته است بلکه تنش زدایی منطقه ای به عنوان عاملی جهت توانمند سازی مدیریت سیستم امنیت منطقه ای، رفع منازعات، کنترل هزینه های نظامی و انتقال آن به بخش صنعت و اقتصاد نیز از سوی کشور های منطقه نادیده گرفته شده است. از این رو منطقه آسیای مرکزی را می توان نمونه بزرگ تنش های منطقه ای به شمار آورد که در آن هریک از کشورهای منطقه به دنبال حل مشکلات خود به تنهایی و بدون همیاری دیگران بوده اند. گفتنی است که هم اکنون مهمترین پایه های همگرایی در منطقه مربوط به سازمان

های منطقه ای است که شکل گرفته اند، این سازمان ها که تقریباً تمامی کشورهای منطقه در آنها عضویت دارند عبارتند از: جامعه کشورهای مشترک المنافع مستقل^۵، سازمان همکاری مستقل (اکو)^۶، سازمان همکاری شانگهای^۷، جامعه اقتصادی اوراسیا^۸، سازمان همکاری آسیای مرکزی^۹. (بهمن، ۱۳۸۹: ۹۶) علاوه بر موارد گفته شده در بحث های مدیریتی آب و فرهنگی و نژادی نیز در منطقه همکاری ها و همگونی های وجود دارد که می تواند به روند همگرایی کمک نماید که این مهم تاکنون مورد توجه شایسته قرار نگرفته است. در نتیجه می توان گفت که این منطقه دارای ظرفیت های لازم برای همگرایی و نزدیک شدن هرچه بیشتر واحدها به یکدیگر می باشد اما به دلیل عواملی که در ادامه ذکر می شود که گمان می رود در حال حاضر وجه غالب را به خود اختصاص داده اند این همگرایی نمود چندانی نداشته است. اهم این موارد را می توان در چهار دسته ذیل یاد آور شد؛

الف- عدم درک لزوم همکاری های منطقه ای از سوی سردمداران سیاسی:

در این منطقه با وجود ظرفیت های بالای همکاری و همگرایی اما هنوز سردمداران را به این نتیجه نرسانده است که در رابطه با مسائل مختلف منطقه باید سیاست های انعطاف ناپذیر گذشته خویش را رها کنند و از طریق همکاری به حل این مسائل بپردازند، با این وجود همکاری های جزئی در منطقه دیده می شود اما این همکاری ها به گونه ای نیستند که نشان از ایده ها و آرمان های مشترکی در بین کشورهای منطقه داشته باشند و همواره در حاشیه قرار گرفته اند (Wright-Neville and ۲۳: ۲۰۰۸، Grevtseva). به عنوان مثال ازبکستان با هرگونه حرکتی که به سوی ایجاد همگرایی سیاسی میان این جمهوری ها ختم شود مخالفت نموده و حتی از عضویت کشورهای مستقل مشترک المنافع نیز خارج شده است. در این مورد به کشور ترکمنستان نیز می توان اشاره نمود که در پی اتخاذ سیاست بیطرفی دائم خود را تا حدودی از این همکاری ها به دور کرده است. در واقع می توان گفت که کشورهای منطقه نوعی بی اعتمادی شدید نسبت به یکدیگر را در دل خود جای داده اند که باعث شده است هنوز احساس منفعت بردن از همکاری های منطقه ای شکل نگیرد در این رابطه می توان بدینی عمیق میان اسلام کریم اف و امامعلی رحمان رئیس جمهوری های ازبکستان و تاجیکستان را مثال زد که همواره یکدیگر را به دخالت در مسائل داخلی یکدیگر متهم می کنند که وجه بارز آن را می توان در صحبت های امامعلی رحمان در رابطه با حمایت کریموف از یک فرد شورشی به نام سرهنگ محمود در برهم زدن اوضاع داخلی تاجیکستان دید اگر چه دولت ازبکستان به شدت این اتهامات را رد کرده است اما این بدینی ها همچنان بر روابط میان کشورها حاکم است (Juraev, ۲۰۱۲: ۱). و این مساله یکی از موارد جدی است که مانع از همگرایی کشورهای منطقه به ویژه در سالهای اخیر شده است همچنین تا زمانی که عزم جدی سردمداران این کشورها وجود نداشته باشد این همکاری ها نیز هیچ گاه به شکل جدی پیگیری نمی شوند.

ب- تجربه تلخ اتحاد جماهیر شوروی و ترس از تهدید استقلال سیاسی:

با وجود اینکه از سال ۱۹۹۱ به بعد کشور های این منطقه استقلال سیاسی خود را به دست آورده اند اما هنوز اثراتی از آن در ذهن سیاستمداران این کشور ها برجای مانده است به طوری که اخیراً اقدامات روسیه در اکراین بر نگرانی های قزاق ها افزوده است و از تکرار سناریوی اکراین نسبت به استان های شمالی خود در هراس هستند اما مقامات روس تلاش اند که ذهنیت

^۵ The commonwealth of independent states(CIS)

^۶ The economic cooperation organization(ECO)

^۷ The shanghai cooperation organization(SCO)

^۸ The Eurasian economic community(EES)

^۹ The central Asia cooperation organization(CACO)

ایجاد شده را کم‌رنگ کنند اما تاثیر خود را کماکان در اذهان بر جای گذاشته است (Crisis Group، ۲۰۱۵: ۱). چنانچه با وجود این که ترتیبات منطقه ای به عنوان ابزاری مناسب در دست دولت ها به منظور ارتقا منافع ملی شناخته شده است اما نگرش غالب در میان سیاستمداران کشورهای این منطقه حکایت از این دارد که عملاً نه تنها هیچ تمایلی به منطقه گرایی ندارند بلکه آنرا خطری برای استقلال سیاسی خود نیز تلقی می کنند. بدین ترتیب هراس دولت های آسیای مرکزی در خصوص از دست دادن استقلال سیاسی و یا تحدید حاکمیت ملی در صورت شکل گیری یک توافق جامع منطقه ای با درجه هماهنگی بالا، یکی از مهمترین دلایلی است که باعث شده همکاری ها در منطقه آسیای مرکزی با وجود زمینه های مناسب با استقبال جدی مواجه نشود؛ به عبارت دیگر حکمرانان قدرتمند از این که ساختارهای همکاری منطقه ای ممکن است به ساختار هایی برای دخالت منطقه ای شباهت داشته باشد، هراس دارند. در نتیجه هراس از تهدید استقلال سیاسی به عنوان مانعی با نقش بسیار پررنگ در جلوگیری از همکاری های منطقه ای عمل کرده است. در پایان باید اشاره کرد برای شکل گیری این گونه همکاری ها و همگرایی ها که گاه در قالب سازمان های منطقه ای خود را نشان می دهد علاوه بر وجود زمینه های لازم باید میل و اراده سیاسی دولت ها را برای ایجاد همگرایی را در نظر آورد چرا که عدم وجود این اراده سیاسی در منطقه آسیای مرکزی یک پارادوکس اعجاب انگیز را ایجاد کرده که با وجود درک فواید منطقه گرایی و همکاری ها دولت ها همواره از آن دوری می گزینند، و اگر هم اقدامی صورت پذیر نتایج بسیار ضعیفی را به دنبال دارد.

ج- تمایل برخی کشورها به داشتن نقش هژمونی در منطقه:

یکی دیگر از مهمترین دلایل عدم شکل گیری منطقه گرایی و همگرایی در آسیای مرکزی به تمایل برخی از کشورها منطقه به نفوذ، تفوق طلبی و ناسیونالیسم ملی بر می گردد که رقابت های شدیدی را بین پنج کشور منطقه شکل داده است (Crisis Group، ۲۰۰۲: ۱). در این رابطه می توان به ازبکستان و قزاقستان اشاره نمود که هر کدام با تاکید و تکیه بر توان و نفوذ خویش داعیه دار رهبری بر منطقه را دارند و این برتری طلبی خود را به سایر زمینه ها مانند بهره برداری از منابع آبی تسری داده اند (khamzayeva, ۲۰۰۹: ۱۶). با توجه به این دیدگاه و خط سیر استراتژیکی که برخی کشور های منطقه دنبال می کنند پس طبیعی است همواره از شکل گیری اتحاد و ائتلاف در این منطقه جلوگیری نمایند زیرا نمی خواهند هیچ گاه خود را در مقابل یک قدرت ائتلافی ببینند، از طرفی هم خود این کشور ها هنوز به آن حدی نرسیده اند که خود را به عنوان یک هژمون منطقه ای مطرح کنند که این نیز خود زمینه ساز اختلافات بیشتر در بین کشورها شده است. (بهمن، ۱۳۸۹: ۱۰۰) در این رابطه باری بوزان معتقد است که «تهدیدات از فاصله نزدیک سریعتر حس می شوند تا از فاصله دور» و ناامنی و واگرایی اغلب با نزدیکی همراه است (سریع القلم و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۶) در پایان می توان به نوعی بی اعتمادی عمیق میان این کشور ها اشاره کرد که این بی اعتمادی ها را حتی در سخنرانی های سردمداران آنها مانند کریم اف و نظربایف رئیس جمهورهای ازبکستان و قزاقستان نسبت به همکاری های منطقه ای بسیار نمایان است تا آنجا که حتی خطری که این جمهوری ها از جانب یکدیگر حس می کنند هیچ گاه از جانب قدرت های فرا منطقه ای و روسیه حس نکرده اند (بوزان، بری، ۱۳۸۱: ۶۳۴) همچنین در این رابطه می توان تنش های موجود در روابط ازبکستان و تاجیکستان را هم برشمرد که به شدت سیاسی شده اند و هیچ نشانه ای از کاهش در آن دیده نمی شود (Juraev, ۲۰۱۲: ۱). ایجاد این دست از رقابت ها که گاه آنرا با مسائل ملی گره می زند و بدبینی هایی که وجود دارد همواره همگرایی را در منطقه از تصور ما دورتر می کند.

د- عدم گسترش روابط تجاری و اقتصادی گسترده در میان کشورهای منطقه:

در کشورهای آسیای مرکزی نبض جریان اصلی اقتصاد در دست دولت قرار گرفته است و با وجود اینکه سابقه همکاری های اقتصادی نشان داده که این همکاری ها علاوه بر ارتقاء منافع اقتصادی، موجب تحکیم امنیت می شوند اما ما شاهد روابط اقتصادی گسترده و عمیق نیستیم و همواره هر گونه تصمیم گیری در رابطه با این روابط اقتصادی ارتباط مستقیمی با سایر حوزه های عمل دولت همچون حوزه های سیاسی و امنیتی داشته است. در حال حاضر تجارت آزاد در منطقه به دلایل

متعددی که بیشتر معطوف به نحوه عملکرد دولت های منطقه است در سطح بسیار پایینی است و این اقتصاد متمرکز همواره روند همگرایی های منطقه ای مختل نموده است. از طرفی دیگر با حضور پررنگ دولت در تمامی مسائل اقتصادی دیگر جایی برای عملکرد بخش خصوصی نمانده است. البته علاوه بر تمامی موارد مهم ذکر شده در رابطه با عدم توفیق این کشور ها در زمینه همگرایی منطقه ای و واگرایی بیشتر می توان به نقش قدرت های فرامنطقه ای و منافع آنها نیز در این منطقه اشاره ای کرد که آسیای مرکزی را در حیطه ی علایق استراتژیک آنها قرار داده است. به عنوان مثال ایالات متحده که به دنبال ایجاد نزاع و درگیری در منطقه است همواره از ایجاد همگرایی و اتحاد میان کشورها و ناامن کردن منطقه به ضرر روسیه استفاده نموده است زیرا منطقه آسیای مرکزی در حکم حیات خلوت روسیه می باشد. از طرفی هم آسیای مرکزی آزمایشگاهی برای سیاست خارجی چین می باشد که در صدد تأمین ثبات آن می باشد (Godement, ۲۰۱۱: ۲)، چرا که امنیت چین با امنیت آسیای مرکزی گره خورده است و در این رابطه می توان به سرمایه گذاری های چین در این منطقه اشاره کرد که می تواند به صورت بالقوه سبب حل شدن بسیاری از مشکلات مالی و زیر ساختی به ویژه در تاجیکستان و قرقیزستان باشد (۲۰۱۳: ۳۳) Crisis Group. گفتنی است که واکاوی نقش قدرت های فرامنطقه ای و همسایگان قدرتمند و منافع که این کشورها در منطقه دارند نیاز به تعمق و پژوهش جدی دارد که از حوصله این نوشتار خارج می باشد اما آنچه که مسلم است نقش آنها در هرگونه اقدام در رابطه با همگرایی یا واگرایی تأثیر گذار می باشد. در قسمت بعد با توجه به شناخت نسبی که از منطقه آسیای مرکزی به دست آورده ایم و اینکه وضعیت همگرایی و موانع آنرا شناخته ایم می پردازیم به این نکته که بحران آب موجود چه تأثیری بر این وضعیت همگرایی و واگرایی در منطقه آسیای مرکزی دارد.

بحران آب عامل همگرایی یا واگرایی

در رابطه با بحران آب همواره این نکته حائز اهمیت است که بحران آب با بسیاری از بحران ها و مسائل مهم حیات بشری مانند مواد غذایی، خودکفایی کشور ها در بسیاری از زمینه های مانند انرژی های برق آبی، کشاورزی و ... در ارتباط است (Fumagalli, ۲۰۰۸: ۵). و حتی علاوه بر موارد پیش گفته از طریق خشک شدن دریاچه ها و زیست بوم های آبی اثرات بسیار مخربی را نه تنها در سطح منطقه ای بلکه حتی از طریق افزایش دمای کره زمین بر کل کره ی خاکی می گذارد. بنابراین نباید از اهمیت این موضوع در حد یک مساله زیست محیطی یا توسعه ای بکاهیم بلکه باید با نگاهی دقیق به بررسی عمیق این موضوع بپردازیم حال آنکه حل این موضوع ارتباط مستقیم با همکاری های منطقه ای و فرامنطقه ای دارد. بنابراین باید عنوان نمود که مدیریت بحران های آبی جزء مسائل بسیار پیچیده و دشوار می باشد (Cooley and Srinivasan, ۲۰۱۳: ۳۷). در رابطه با نقش بحران آب در همگرایی ها و واگرایی های منطقه ای دو نوع طیف از نظرات وجود دارد: یک سری از این نظرات مربوط می باشند به نوع نگاه سیاستمداران و برخی متفکران به مساله بحران آب، از نظر آنان بحران آب همواره یکی از دلایل اصلی ایجاد جنگ ها و تعارضات شدید در آینده خواهد بود و برای این ادعا های خود نمونه های مانند درگیری های رود اردن را که میان کشورهای اردن و سوریه با رژیم صهیونیستی بر سر انتقال آب رودخانه های اردن و یرموک به ویژه در دهه های ۱۹۵۰-۱۹۶۰ به وقوع پیوست را ذکر می کنند. در تایید این نوع نگاه هومر و دیکسون هم پس از بررسی نمونه های موجود به این نتیجه رسیدند که آب به عنوان یک منبع تجدید پذیر غالباً باعث ایجاد درگیری بین واحدهای منتفع از آن منابع می شود (Mosello, ۲۰۰۸: ۱۵۴). همچنین می توان سخنان کوفی عنان دبیر کل سابق سازمان ملل در سال ۲۰۰۱ را افزود که اظهار داشت «رقابت شدید و کشمکش بر سر آب شیرین می تواند در آینده منبع جنگ و درگیری باشد» (Izquierdo and Stangerhaugen, ۲۰۱۰: ۴). در این رابطه بوزان هم نظری دارد که عنوان می کند؛ مسائل مربوط به آب با دغدغه های امنیت ملی مرتبط بوده و در نتیجه باعث می شود مسئله از حیطه مدیریت فنی رایج خارج شده و در حیطه مسائل سری و سر به مهر مقامات امنیتی قرار گیرد. (بیترایس، ۲۰۰۸) این گره خوردگی به مسائل امنیتی بر پیچیدگی بحران می افزاید و حساسیت حکومت ها را بر می انگیزد تا آنجا که گاهی حل بحران را با بقای حکومت خویش گره می زنند. از دیگر اندیشمندان این عرصه می توان به نظرات رابرت کاپلان و شلومی دینار اشاره کرد که عنوان می کنند کمبود

آب به صورت بالقوه عامل مخرب در مسائل داخلی و سیاست خارجی است چرا که بحران آب و مسائل زیست محیطی می تواند به رکود اقتصادی، آشفتگی اجتماعی، مهاجرت اجباری و دامن زدن به اختلافات منجر شود (Economy, ۲۰۰۹: ۳۶۶). در مقابل این طیف از نظریات گروهی از محققین قرار می گیرند که نه تنها آب را عاملی برای نزاع و درگیری نمی دانند بلکه معتقدند که بحران آب خود باعث افزایش همکاری ها خواهد شد و بر این عقیده اصرار دارند که تنش های آبی به ندرت باعث ایجاد جنگ و خشونت در قرن حاضر شده است. حال آنکه عنوان می کنند آب ضروری زندگی نیست بلکه خود زندگی می باشد بنابر این آب های مشترک را نباید بازی با حاصل جمع صفر دانست و همچنین می توانند سبب وابستگی متقابل شوند (Mosello, ۲۰۰۸: ۱۵۶). آن ها معتقدند که بیشتر روابط بین المللی مرتبط با آب، مشارکتی هستند و آب می تواند به عنوان یک ابزار و یا به صورت یک هدف مشترک برای مشارکت بین دولت ها عمل نماید.

به عقیده آن ها جنگ آب، افرایقی است که توسط طرفداران محیط زیست برای جلب نظر مسئولین به اهمیت مسائل آبی و محیط زیستی ایجاد شده است. به طور کلی برخی محققان بر این باورند که منابع مشترک آبی نه تنها می تواند تضاد و تنش های بین دو کشور را کاهش دهد، بلکه به عنوان یک تسهیل گر در بهبود روابط و افزایش سطح مشارکت و همکاری های دولت ها در زمینه های مختلف اقتصادی و سیاسی نیز عمل نماید. اما در نتیجه به نظر نگارنده با توجه به ویژگی های خاص هر منطقه باید به این مساله پرداخت که آیا بحران آب به همگرایی ختم می شود یا واگرایی؟ به نظر می رسد که هیچ الزامی نیست که بحران آب حتما به یکی از این دو راهکار ختم شود بلکه آنچه که متصور است این نکته می باشد که هنگام بروز این گونه بحران ها این خود بحران نیست که راه را مشخص می کند بلکه یکسری عوامل و پیش نیازها هستند که مسیر و آینده ی بحران را مشخص می کنند، به عنوان مثال در مناطقی که به اهمیت همکاری های منطقه ای توجه کامل داشته باشند، واحدها منافع ملی خویش را با در نظر گرفتن الزامات منطقه ای و بین المللی تعریف کنند، در منطقه روابط و پیوند های تجاری و سیاسی عمیق و کارآمدی وجود داشته باشد، دارای پیوند های قومی و مذهبی قوی باشند، کشور ها دارای ساختار های سیاسی بازتری و مواردی دیگر از این دست باشند، مسیرهای متصور در هنگام تشدید این بحران ها کمتر به سمت نزاع و درگیری کشیده می شوند و کشورها بیشتر به دنبال حل مسالمت آمیز این گونه بحران ها از راه های همچون، برقرار کردن ترتیبات منطقه ای، قواعد مورد تفاهم، مدیریت صحیح منابع، اصلاح ساختارهای آبرسانی، اعطای نقش میانجی به کشور ها یا گروه های ثالث یا مواردی دیگر شوند. اما چنانچه در هنگام اوج گیری بحران شرایط عکس موارد گفته شده باشد یعنی؛ ساختارهای سیاسی بسیار سخت و انعطاف ناپذیر باشند، همکاری های اقتصادی در سطح مناسبی نباشد، روابط میان کشور های دارای اختلاف همواره تخصم و درگیری باشد (مانند روابط میان دو کشور تاجیکستان و ازبکستان)، منافع واحدها فقط در سطح ملی تعریف شوند، بلند پروازی دولت ها در طرح های آینده آنها بدون در نظر گرفتن مشکلات منطقه ای دیده شود (Manchin, ۲۰۱۴: ۲). و نگاه همواره بازی با حاصل جمع صفر باشد در حالی که بحران لطمه و آسیب را به تمامی کشورها وارد می کند یا مواردی دیگر در این طیف باشد آنچه محتمل تر می باشد شکل گیری زمینه های نزاع و درگیری است. نتایج تحقیق نشان از آن دارد که مساله بحران آب در آسیای مرکزی بیشتر به نزاع و درگیری نزدیکتر است تا شکل گیری همکاری های گسترده منطقه ای و علت آنرا هم می توان در وضعیت فعلی همگرایی در منطقه دانست که در تقابل با زمینه های واگرایی در حالت مغلوب قرار گرفته اند. به نظر می رسد اگر تغییر محسوسی در نوع روابط و ترتیبات منطقه ای صورت نپذیرد و شرایط به همین منوال سپری شود با توجه به رشد سریع جمعیت و افزایش نیاز به استفاده از آب در قسمت های مختلف کشاورزی، صنعت، انرژی برق آبی و ... وقوع بحران و فاجعه شدید در این منطقه دور از تصور نخواهد بود، که این بحران ها خود را در قالب درگیری های نظامی نمایان می کند و با توجه به شدت بحران میان دو کشور ازبکستان و تاجیکستان به نظر می رسد نقطه شروع بحران هم میان این کشورها باشد.

نتیجه گیری

با شکل گیری بحران آب و تشدید روز افزون این مساله بویژه در آسیای مرکزی گمانه زنی ها در رابطه با آینده این بحران ها آغاز گردید تا آنجا که عده ای از اندیشمندان از وقوع بزرگترین و مخرب ترین جنگ های تاریخ بر سر منابع آب خبر داده اند. در این میان با توجه به اهمیت بحران آب در آسیای مرکزی تلاش شد تا به واکاوی شرایط و ویژگی ها این منطقه علی الخصوص در رابطه با مهمترین عوامل زمینه ای همکاری ها یا عدم همکاری ها و همچنین وضعیت کنونی آنها پرداخته شود. در این نوشتار برای درک بهتر و جلوگیری از قضاوت نادرست به بحران آب و نقش آن در همگرایی یا واگرایی های منطقه ای در بستر این زمینه ها و شرایط منطقه ای نگاه شد. یافته های مقاله حاکی از آن است که قطعاً بحران آب در همگرایی ها یا واگرایی های منطقه ای نقش اساسی دارد که با توجه به گسترش بحران در آینده از اهمیت روز افزونی نیز برخوردار خواهد بود اما به قطع نمی توان گفت که بحران آب در یک مسیر خطی به همگرایی ختم خواهد شد یا واگرایی بلکه آنچه محتمل است این نکته است که با توجه به مناطق و شرایط مختلف زمینه ای این مساله طیفی از نتایج را از واگرایی قطعی، واگرایی مقطعی، همگرایی ضعیف و یا همگرایی دائمی و قوی را به دنبال خواهد داشت. با توجه به این عوامل زمینه ای و شرایط مذکوری که در بدنه مقاله به آنها پرداخته شد اگر شرایط به همین منوال پیش برود بحران آب در آسیای مرکزی حداقل در ابتدا میل بیشتری به نیمه اول طیف یعنی واگرایی و تخصم دارد، اگرچه تنها راه حل این بحران در منطقه ی آسیای میانه همکاری های جدی منطقه ای است. مطلوب است در آینده به نکاتی در این رابطه پرداخته شود که در صورت بروز تخصم در منطقه نقش نیرو های فرامنطقه ای چگونه خواهد بود و اینکه در این واگرایی یا همگرایی ها نقش کشورهای همسایه مانند ایران، روسیه، چین و ... چگونه است.

منابع و مراجع

الف - فارسی

- بهمن، شعبی، جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی: ظرفیت های همکاری و همگرایی منطقه ای، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۱، پاییز ۱۳۸۹.
- امیر احمدیان، بهرام، ناصری، مهدی، بحران آب در آسیای مرکزی: با تاکید بر مناقشه کشورهای منطقه بر سر مسئله آب، مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲
- دبیری، علی اکبر، تحلیل هویت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی با استفاده از نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۶، زمستان ۱۳۹۰
- کنعانی، ناصر، چشم اندازی بر ابعاد مختلف بحران آب در آسیای مرکزی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۸۲
- زرقانی، سید هادی، لطفی، امین، نقش رود های مرزی در همکاری و همگرایی منطقه ای-نمونه موردی هریرود و سد دوستی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۰
- افضلی، رسول، محمد جانی، مصطفی، همگرایی و واگرایی سیاسی در حوزه کاسپین و حوزه های پیرامونی آن، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۷
- فرانکل، ژوزف، نظریه معاصر روابط بین الملل، ترجمه وحید بزرگی، تهران: انتشارات اطلاعات ۱۳۷۱.
- ولایتی، علی اکبر، تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام، مجله ی دانش سیاسی، سال ششم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹
- عبدالعلی، قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، سمت، تهران: ۱۳۷۱
- حافظ نیا، محمد رضا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، نشر پاپلی، مشهد، ۱۳۸۵

- تیو شوکوئی، بهار، شاهرخ، موقعیت ژئوپلیتیک و اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی در دهه ۹۰ و چشم انداز توسعه آنها، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره دوم شماره ۵، تابستان ۱۳۷۳.
- اوهارا، سارا، وضعیت آب در آسیای مرکزی، ترجمه عباس رسولی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، نگاشته شده در مارس ۱۹۹۹
- رضایی اسکندری، داود، چشم انداز جهانی بحران آب؛ مطالعه موردی؛ بحران آب در آسیای مرکزی؛ دلایل و راهکارها، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۹، بهار ۱۳۸۹
- افغانی، حجت الله، ابعاد سیاسی-امنیتی بحران آب در خاورمیانه عربی و آینده مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸.
- فروغی، پیام، استفاده از آب های فرامرزی، امنیت بین المللی و مدیریت بحران آب در آسیای مرکزی، ترجمه ملکی، قاسم، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۲، شماره ۴۳، ۱۳۸۲
- شعیب، بهمن، بررسی چالش ها و موانع منطقه گرایی در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۹، بهار ۱۳۸۹.
- سریع القلم، محمود و دیگران، تبدیل ژئوپلیتیک جنگ به ژئوپلیتیک صلح، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم، ۱۳۸۵
- بوزان، بری، خاورمیانه: ساختاری همواره تنش زا، فصلنامه سیاست خارجی، ترجمه صادقی، احمد، سال ۱۶، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱
- بیترایس، موسلو، آب در آسیای مرکزی، باشگاه اندیشه، به نقل از مجله امور بین المللی دانشگاه پرینستون، ترجمه مهدیان، رضا، ۲۰۰۸، <http://news.akairan.com/havades-akhbar/goonagoon/tnews۲۷۸۹۱.html> -منتشر شده در مورخه ۲۰۱۵/۴/۱۳

ب - انگلیسی

- Crisis Group Europe and Central Asia Briefing N°۷۴ Bishkek /Brussels. (۱۳ May ۲۰۱۵). **Stress Tests for Kazakhstan**. International Crisis Group Working to Prevent Conflict World Wide.
- Wright-Neville, David and Grevtseva, Yana. (۲۰۰۸). **Water – A Source of Conflict or Cooperation in Central Asia**. PLM ۵۶۲۰ – Research Project (Politics).
- Lipiäinen, Tatjana and Smith, Jeremy. (۲۰۱۳). **International Coordination of Water Sector Initiatives in Central Asia**. Ministry of Foreign Affairs of Finland. © EUCAM ۲۰۱۳
- ISBN (Online): ۹۷۸-۸۴- ۶۱۴- ۶۸۷۰- ۶
- Crisis Group Europe and Central Asia Report N°۲۳۳. (۱۱ September ۲۰۱۴). **Water Pressures in Central Asia**. International Crisis Group Headquarters Avenue Louise ۱۴۹ ۱۰۵۰ Brussels, Belgium
- Juraev, Shairbek. (۲۰۱۲). **Central Asia's Cold War? WATER AND POLITICS IN UZBEK-TAJIK RELATIO**. PONARS Eurasia Policy Memo No. ۲۱۷ September ۲۰۱۲. *American University of Central Asia (Bishkek)*

- Crisis Group Asia Report N°۲۴۴. (۲۷ February ۲۰۱۳). **China's Central Asia Problem**. International Crisis Group Headquarters Avenue Louise ۱۴۹ ۱۰۵۰ Brussels, Belgium
- Marie Izquierdo, Lisa and Stangerhaugen. (December ۲۰۱۰). **Water Crisis in Central Asia: Key Challenges and Opportunities**. Graduate Program in International Affairs New School University
- Rakhmatullaev, Shavkat and Le Coustumer, Philippe. (۲۰۱۰). **Facts and Perspectives of Water Reservoirs in Central Asia: A Special Focus on Uzbekistan**. Tashkent Institute of Irrigation and Melioration, ۳۹ Kary Nizayov Street, Tashkent, ۱۰۰۰۰۰, Uzbekistan ISSN ۲۰۷۳-۴۴۴۱
- Strickman, Rachel & Porkka, Miina. (۲۰۰۸). **WATER AND SOCIAL CHANGES IN CENTRAL ASIA: PROBLEMS RELATED TO COTTON PRODUCTION IN UZBEKISTAN**. Water & Development Publications - Helsinki University of Technology. ISBN ۹۷۸-۹۵۱-۲۲-۹۵۹۳-۷
- Karaev, Zainiddin. (۲۰۰۵). **WATER DIPLOMACY IN CENTRAL ASIA**. Middle East Review of International Affairs, Vol. ۹, No. ۱
- Petersen, Alexandros and Barysch Katinka. (۲۰۱۱). **RUSSIA, CHINA AND THE GEOPOLITICS OF ENERGY IN CENTRAL ASIA**. Published by the Centre for European Reform (CER), ۱۴ Great College Street, London, SW۱P ۳RX. ISBN ۹۷۸ ۱ ۹۰۷۶۱۷ ۰۱
- **Godement, François. (September ۲۰۱۱). THE NEW GREAT GAME IN CENTRAL ASIA**. European Council on Foreign Relations and Asia Centre. www.centreasia.eu
- Manchin, Julia. (January ۲۰۱۴). **Horizon ۲۰۱۴: Central Asia**. European Union Institute for Security Studies. © EU Institute for Security Studies, ۲۰۱۴. | QN-AL-۱۴-۰۰۹-۲A-N | ISSN ۲۳۱۵-۱۱۲۹
- Bichsel, Christine. (۲۰۱۱). **Liquid Challenges: Contested Water in Central Asia**. Sustainable Development Law & Policy ۱۲, no. ۱ (۲۰۱۱): ۲۴-۳۰, ۵۸-۶۰.
- IMF STAFF DISCUSSION NOTE. (June ۲۰۱۵). **Is the Glass Half Empty or Half Full? Issues in Managing Water Challenges and Policy Instruments**. INTERNATIONAL MONETARY FUND Strategy, Policy, and Review Department, African Department, Fiscal Affairs Department, Middle East and Central Asia Department. JEL Classification Numbers: H۲۳, L۹۵, Q۲۵
- Grävingholt, Jörn. (۲۰۰۴). **Crisis Potentials and Crisis Prevention in Central Asia**. Entry points for German development cooperation. Studie / Deutsches Institut für Entwicklungspolitik. ISBN ۳-۸۸۹۸۵-۲۷۳-۴
- Vörösmarty, McIntyre. (۲۰۱۰). **Biodiversity loss and the global water crisis**. A fact book on the links between biodiversity and water security. Wetlands International PO Box ۴۷۱۶۷۰۰ AL Wageningen The Netherlands

-Mosello, *Beatrice*. (۲۰۰۸). **Water in Central Asia: A Prospect of Conflict or Cooperation?** *Journal of Public and International Affairs*. Volume ۱۹ | Spring ۲۰۰۸

- Fumagalli, Matteo. (۲۰۰۸). **The ‘Food-Energy-Water’ Nexus in Central Asia: Regional Implications of and the International Response to the Crises in Tajikistan**. EUCAM Eu-Central Asia Monitoring. No. ۲ The EU Strategy for Central Asia

-*Libert, Bo and Orolbaev, Erkin*, (۲۰۰۰). **Water and Energy Crisis in Central Asia**. China and Eurasia Forum Quarterly, Volume ۶, No. ۳ p. ۹-۲۰ © Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program ISSN: ۱۶۵۳-۴۲۱۲

-Crisis Group Europe and Central Report N°۳۴. (۳۰ May ۲۰۰۲). **Central Asia: Water and Conflict**. Osh/Brussels

- *Economy, Elizabeth*. (۲۰۰۸). **Asia’s Water Security Crisis: China, India, and the United States**. The National Bureau of Asian Research. ۱۲۱۵ Fourth Avenue, Suite ۱۶۰۰ Seattle, Washington ۹۸۱۶۱ USA ۲۰۶-۶۳۲-۷۳۷۰

-Khalid, Iram, Mukhtar, Asia and Ahmed, Zanib.(۲۰۱۴). **Water Scarcity in South Asia: A Potential Conflict of Future Decades**. *Journal of Political Studies*, Vol. ۲۱, Issue - ۱, ۲۵۹-۲۸۰

- **Khamzayeva, Anar**. (۲۰۰۹). **Water resources management in Central Asia: security implications and prospects for regional cooperation**. Documentos CIDOB, Asia

- Cooley, Heather and Srinivasan, Veena. (۲۰۱۳). **Global Water Governance in the ۲۱ st Century**. Pacific Institute ۶۵۴ ۱۳th Street, Preservation Park Oakland, California ۹۴۶۱۲. The full report is available online at <http://www.pacinst.org/publication/global-water-governance-in-the-۲۱st-century/>